

دست های چدنی زیر دستکش مخملی یادمان نرود

یادداشت/ صدیقه یوسفی

دولت یازدهم با محور قرار دادن اصلاحات اساسی در سیاست خارجی، بر روی کار آمد. مسئولین این دولت مهمترین محور در سیاست خارجی را نیز بهبود تعامل با غرب به ویژه «کدخدا»ی آن آمریکا میدانند. بر این اساس از همان شروع دولت جدید تلاشهای زیادی در عرصه خارجی انجام دادند و مهمترین راهبردها استفاده از ظرفیت پرونده‌ی هسته‌ای برای تعامل با آمریکا و غرب بود.

این روزها هرچقدر به ساعات پایانی مذاکرات نزدیک می شویم دشمن هر آن چه در توان دارد را به کار می گیرد که به توافق با ایران صورت نگیرد چه خواهد شد همینطور نکته مهم که رژیم غاصب و کودک کش اسرائیل که جوری نقش بازی می کند انگار توافق که دارد صورت می گیرد به نفع ایران است و برای امنیت اسرائیل خطر زاست.

اما از این طرف مردان شجاع و غیور و متدین دیپلماسی (به فرموده رهبر) باید هوشیار باشند که اینها همه بازار گرمی است مثل اوان دست فروشی که با یکی تبانی کرده بود که هر وقت کسی آمد از او جنس بخرد سریع بیاید میدان خودش را برای خرید نشان دهد خریدار را به تعجیل وادار کند تا چانه نزند و راضی به هر قیمتی باشد.

جهدگران عرصه دیپلماسی باید دست آورده های هسته ای را حفظ کنند به وضعیت جبهه جهانی مقاومت با استکبار نیز توجه داشته باشند که اگر ایرانی که نماد مقاومت بر علیه زیاده خواهی مستکبران است فریب این دستکش های مخملی یا مرغوب حربه های دشمن را نخورد و

سنگرهای مقاومت در سراسر دنیا یکی پس از دیگری فرو خواهد ریخت.

نکته بعدی را سربسته بگویم ما تا یک زمانی تکلیفمان مذاکرات هست اما فراموش نکنیم که نباید غرور و ترس از سرزنش سرزنشگران ما را به راهی سوق دهد که به هر قیمتی مذاکره را انجام دهیم.

حقیقتا باید در مذاکرات هسته‌ای واقع بین بود، واقعیت را دید و روی احتمال‌ها و خوشبینی‌های کاذب، حساب باز نکرد. وقتی واقعیت این است که امریکا در عمل همان امریکای استعمارگر است، چگونه می‌تواند به این کشور ظن مثبت برد و به توافق با آن امیدوار بود.

اولین اصل برای مذاکرات این است که آنچه می‌دهیم و می‌گیریم معطوف به منافع جناحی نباشد و تنها معطوف به منافع ملی باشد. مذاکرات جاری در دو ساله اخیر در یک برهه ای متهم شد به اینکه در مسیر منافع جناحی قرار گرفته است و تبدیل شده به یک کمپین انتخاباتی و اگر چنین باشد که چندان هم بعید به نظر نمی‌آید، این یک فاجعه محسوب می‌شود.

اصل دوم این است که مذاکره علاوه بر معطوف بودن به منافع ملی باید به منافع ایدئولوژیک یعنی غلبه و برتری اسلام معطوف باشد. نباید شما در مذاکره فقط به منافع جناحی یا حتی فقط منافع ملی بیاندیشید؛ بلکه باید به منافع ایدئولوژیک بیاندیشید. یعنی به غلبه ایدئولوژیک و به برتری اسلام بیاندیشید. اگر در مذاکره با رویکرد فلسفه تاریخی و در نظر گرفتن برهه تاریخی و پیچ تاریخی که در آن قرار داریم با رویکرد منافع ملی و غلبه ایدئولوژیک ورود کنید، قطعاً پیروزید.

متأسفانه به نظر می‌آید آنچه امروز تحت عنوان مذاکره در حال انجام است با رویکرد منافع جناحی است یا حداقل با رویکرد منافع ملی اما با درک غلط از منافع اقتصادی و اقتصاد مقاومتی! اگر در

مذاکره منافع ملی مدنظر باشد اما با این درک که برویم داد و ستد کنیم و چیزی که می‌گیریم توسعه اقتصاد ایران به مفهوم توسعه غربی باشد، قطعاً غلط است و نتیجه‌ای که بدست می‌آوریم حل شدن ما در جامعه غربی و استحاله و نابودی خودمان است.

ایران اسلامی ما باید به عنوان پرچمداران تمدن اسلام در برابر تمدن غرب وارد مذاکره شویم و آنچه می‌دهیم و می‌گیریم در چارچوب منافع ملی مان باشد. ما باید به خودمان اعتماد داشته باشیم یعنی امروز در این مذاکرات تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب قرار گرفته و اگر در این مذاکرات ما کوتاه بیاییم چه می‌شود؟

ما میتوانیم یک ذره از امریکا یاد بگیریم و مطمئن باشیم قبض روح نمیشویم " تا امریکا اول به سود و منافع مردمش نرسد با هیچ کشوری و کسی داداشی نمیشود" این خنده‌های کلیشه‌ای غربیها ما شرقیها را تا کنون سالهاست فریب داده و خواهد داد.

انتهای پیام /س